

آسیب‌شناسی اخلاق حرفه‌ای مهندسين مشاور شهرساز در ايران

مصطفی قادری دهکردی*: دکتری شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، تهران، ایران.
محمدرضا ویسی: دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، تهران، ایران.
فائزه همدانچی: دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، تهران، ایران.

Pathology of Professional Ethics of Urban Planning Consulting Engineers in Iran

Abstract

Ethics has been defined as a set of spiritual and inner human traits that arise from human inner dispositions in the form of actions and behaviors and find external expression. The increasing complexity of organizations and the increase in the amount of unethical, illegal, and irresponsible work in workplaces have drawn the attention of managers and experts to the discussion of professional ethics. This research seeks to identify ethical gaps in the professional community of urban consultants and planners and examine the ethical dilemmas facing consultants and employers by designing scenarios to identify the ethical priorities of each. For this purpose, in developing a theoretical framework, first using the library studies method and then using the Delphi method, after examining the scenarios at three levels: a) bottom-up levels (builders, planners, representatives of local communities), b) middle levels, and c) top-down levels (government sector), a questionnaire was prepared and 46 people involved in this field responded to the research questions. The results of the research indicate the inadequate state of professional ethics. So that in the 20 scenarios presented, on average, the opinion of the average people is downward; also, the main basis of the decisions and behaviors of consulting companies, rather than being based on solving problems, is focused on securing their own economic interests, and they prefer short-term benefits from projects to long-term benefits of relationships with clients and good reputation among consulting companies and clients, for this reason they do not have the ability to withstand the demands of the employer, which of course is also considered unethical.

Keywords: Pathology, Professional Ethics, Consulting Engineers, Urban Planner, Iran.

چکیده

اخلاق را مجموعه‌ای از صفات روحی و باطنی انسان تعریف کرده‌اند که به صورت اعمال و رفتاری از خلیات درونی انسان ناشی می‌شود و بروز ظاهری پیدا می‌کند. پیچیده‌تر شدن روزافزون سازمان‌ها و افزایش میزان کارهای غیراخلاقی، غیرقانونی و غیرمسئولانه در محیط‌های کاری، توجه مدیران و صاحب‌نظران را به بحث اخلاق حرفه‌ای معطوف ساخته است. این پژوهش به دنبال شناسایی خلأهای اخلاقی در جامعه حرفه‌ای مشاوران و برنامه‌ریزان شهری و بررسی دوگانگی‌های اخلاقی پیش روی مشاوران و کارفرمایان با طرح سناریوها می‌پردازد تا اولویت‌های اخلاقی هر یک را شناسایی نماید. بدین منظور در تدوین چارچوب نظری ابتدا از روش مطالعات کتابخانه‌ای و سپس با استفاده از روش دلفی پس از تدقیق سناریوها در سه سطح (الف) سطوح پایین به بالا (سازندگان، برنامه‌ریزان، نمایندگان جوامع محلی)، (ب) سطوح میانی و (ج) سطوح بالا به پایین (بخش دولتی)، پرسش‌نامه‌ای تهیه شده و تعداد ۴۶ نفر از افراد درگیر در این حوزه به سؤالات پژوهش پاسخ داده‌اند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده وضعیت نامناسب اخلاق حرفه‌ای می‌باشد. به طوری که در ۲۰ سناریو مطرح شده، به طور میانگین، نظر افراد متوسط رو به پایین می‌باشد؛ همچنین مبنای اصلی تصمیمات و رفتارهای شرکت‌های مشاور، بیش از آن که مبتنی بر حل مشکلات باشد، معطوف به تأمین منافع اقتصادی خودشان است و منافع کوتاه‌مدت حاصل از طرح‌ها را به منافع بلندمدت ارتباط با مشتریان و حسن شهرت در میان شرکت‌های مشاور و مشتریان ترجیح می‌دهند، به همین دلیل توانایی استقامت در برابر خواسته‌های کارفرما را نداشته که البته آن را نیز امری غیراخلاقی دانسته‌اند.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، اخلاق حرفه‌ای، مهندسين مشاور، شهرساز، ايران.

* نویسنده مسؤول: eng.ghaderi2013@gmail.com

مقدمه

برنامه‌ریزی یک تلاش اخلاقی است که در آن برنامه‌ریزان باید انتخاب‌های اخلاقی داشته باشند (Hendler, 1991)؛ زیرا ماهیت برنامه‌ریزی شامل انتخاب در زمینه‌هایی است که با پیچیدگی و عدم قطعیت مشخص می‌شوند، بنابراین به نظر می‌رسد که بیشتر موارد بحث شده در زمینه برنامه‌ریزی مربوط به نگرانی‌های اخلاقی است (Campbell, 2012) در ارتباط با این انتخاب‌ها، مسائل اخلاقی هستند که از پرسش‌های روبه‌ای مانند تضاد منافع تا پرسش‌های اساسی مانند اینکه آیا برنامه‌ریزان باید از حقوق گروه‌های اقلیت دفاع کنند، دامنه می‌گیرند. این مسائل برنامه‌ریزان را ملزم می‌کند تا تصمیماتی اتخاذ کنند که به‌طور ضمنی یا صریح، با دیدگاه‌های ایجاد شده از آنچه که رفتار اخلاقی را تشکیل می‌دهد، مطابقت داشته باشند (Hendler, 1991).

موجی از فعالیت در چند دهه اخیر در زمینه اخلاق برنامه‌ریزی وجود داشته است. این رشد چشمگیر در نوشتن، صرفاً دغدغه‌ای آکادمیک نبوده است؛ و به‌طور هم‌زمان بحث‌های به روز در انجمن‌های حرفه‌ای ملی مختلف در مورد ابعاد اخلاق حرفه نسبتاً جوان برنامه‌ریزی شهری را منعکس و تحریک کرده است (Campbell, 2012). اخلاق برنامه‌ریزی یکی از زیر مجموعه‌های اخلاق حرفه‌ای است که خود این اخلاق نیز زیرمجموعه مجموعه بزرگ‌تری به نام اخلاق کاربردی محسوب می‌شود؛ اخلاق حرفه‌ای امروزه موردتوجه بسیاری از صاحب‌نظران برنامه‌ریزی قرار گرفته است. اخلاق و علم اخلاق یعنی مجموعه دستورالعمل‌هایی که امکان زیست اخلاقی را برای فرد و جامعه فراهم می‌آورند (ملک‌پوراصل و دستواره، ۱۳۹۸). دامنه نگرانی‌های مربوط به اخلاق به‌طور کاملاً گسترده‌ای ترسیم شده است. نگرانی اصلی این مجموعه از کارها، تعیین این است که چه کاری باید انجام شود؟ این جهت‌گیری هنجاری با درک ماهیت نتایج خوب و بد و یا اقدامات درست و غلط چارچوب‌بندی می‌شود. هدف اساسی این دیدگاه‌ها پیشنهاد استانداردهای گسترده‌ای است که به وسیله آن‌ها می‌توان میزان اخلاقی بودن تصمیمات را به دست آورد و قضاوت کرد. این امر با تمرکز شخصی‌تر، در سطح فرد، بر ماهیت اخلاق و رفتار تکمیل می‌شود (Campbell, 2012). در همه عرصه‌های حرفه‌ای هدف اصلی حفظ اعتبار و کمک به بالا بردن کارایی آن است و تربیت افراد و کنش‌گرانی که به عنوان کنش‌گران اخلاقی محسوب می‌شوند، هدف پسینی محسوب می‌شود (ملک‌پوراصل و دستواره، ۱۳۹۸)؛ بنابراین به‌طور کلی اخلاق با انتخاب و قضاوت عملی در ارتباط است. در اغلب موارد، بحث‌های

اخلاقی با شرایطی مواجه می‌شوند که در آن تمایز ساده بین خوب و بد، درست و غلط، به آن مربوط نمی‌شود. قضاوت‌های دشوار، با اثرات نامشخص و تشخیص موقعیت میان بدتر و بهتر مطرح می‌شود (Campbell, 2012). در زمانی که تأکید بیشتری به اخلاق در جامعه به‌طور کلی و به اخلاق در حرفه‌ها به‌طور خاص داده می‌شود، مهم است که بدانیم برنامه‌ریزان به چه چیزی باور دارند. مبانی اخلاقی عمل آن‌ها چیست؟ و اینکه این مواضع از کجا می‌آیند؟ (Hendler, 1991).

در سال ۲۰۱۳ کمیته راهبری شبکه برنامه‌ریزان تصمیم گرفت که به صورت جدی بر عدم اجرای اصول اخلاقی برنامه‌ریزی تمرکز کند، به ویژه هنگامی که بحث در مورد عدالت اجتماعی باشد؛ بدین منظور سردبیران برنامه‌ریزی پیشرو از پیتز مارکوزه و هارلی اتین دعوت کردند تا درباره اخلاق برنامه‌ریزی بحث و گفتگو کنند؛ و نتایج آن در مقاله‌ای تحت عنوان «یک اصول اخلاقی عادلانه برای برنامه‌ریزان» منتشر شد و اعلام کردند که شبکه برنامه‌ریزان باید از AICP و APA بخواهند کدهای اخلاقی خود را بر این اساس تغییر دهند (Marcuse, 2014). مقاله اصلی مارکوزه^۱ (۱۹۷۶) اغلب به عنوان اولین پژوهش موردتوجه بر موضوعات اخلاقی در برنامه‌ریزی در نظر گرفته می‌شود. از بسیاری جهات، دامنه این مقاله به‌طور نسبتاً محدودی در مورد «اخلاق حرفه‌ای» تصور می‌شد. در طول دوره‌ای که شاهد افزایش حرفه‌ای شدن برنامه‌ریزی بود، مارکوزه جامعه برنامه‌ریزی را به چالش کشید. به‌طور خاص، او به دنبال نشان دادن ماهیت بسیار سیاسی چارچوب‌های اخلاقی حرفه‌ای و تمایل آن‌ها به حمایت از وضعیت موجود به جای فراهم کردن پایه‌های اقدامات مترقی و رادیکال بود. با این حال، در حالی که او می‌گوید، «اخلاق حرفه‌ای به احتمال زیاد حفظ سیستم است تا به چالش کشیدن سیستم»، او در جمله بعدی ادامه می‌دهد تا کوچک‌ترین بارقه‌ای از امید را ارائه دهد که در حالی که تغییر دشوار ممکن است: «حرکت برای تغییر شکل دادن آن‌ها [اخلاق حرفه‌ای] در یک جهت متفاوت به احتمال زیاد طولانی و دشوار است» (Marcuse, 1976) به نقل از (Campbell, 2012). تحلیل مارکوزه با یک حس در حال ظهور در مورد شخصیت سیاسی و نه فنی برنامه‌ریزی متناسب بود؛ اما علاوه بر این، به دنبال برجسته کردن ماهیت سیاسی شده فعالیت «حرفه‌ای» خود برنامه‌ریزی نیز بود. این نگرانی نیز وجود داشت که حرفه‌ای شدن

1. Marcuse

برنامه‌ریزی که با آن پایبندی به اصول اخلاقی حرفه‌ای را به ارمغان آورد، ممکن است برنامه‌ریزان را محدود کند و نگرش‌های محتاطانه و حتی خدمت به خود را پرورش دهد. اخلاق که تا حد زیادی با کدهای اخلاقی (حرفه‌ای) مرتبط است، به کانون توجه تبدیل شد. در مقاله مارکوزه از یک‌طرف، اخلاق، به عنوان اخلاق حرفه‌ای، ذاتاً محافظه‌کار دیده می‌شود و به کانون محکومیت و انتقاد تبدیل می‌شود، اما از طرف دیگر، بینش اخلاقی به عنوان یک منبع بالقوه الهام و چالش برای وضع موجود دیده می‌شود (همان).

هاو و کافمن^۱ (۱۹۷۹) دریافتند که برنامه‌ریزان به‌طور کلی شیوه‌های زیر را اخلاقی می‌دانند: «اقدامات برای نشان دادن یک مشکل برای غلبه بر بی‌تفاوتی، استفاده از هزینه‌های مصرفی به عنوان مبادله و کمک به زمان خود برنامه‌ریزان به گروهی که تلاش می‌کنند یک اقدام رسمی را نادیده بگیرند» (Howe and Kaufman, 1979). کار بارتز^۲ (۱۹۸۴) که بر روی برنامه‌ریزان آمریکایی نیز تمرکز داشت، نتایج مشابهی به همراه داشت؛ اما این بررسی همچنین از ابهام اخلاقی قابل‌توجهی پرده برداشت. اکثر پاسخ‌دهندگان در مورد اخلاق اقدامات برنامه‌ریزی شده شامل تضاد منافع سیاسی، تبعیض شغلی ناشی از طرح پیشنهادی توسعه و انتشار اطلاعات به گروه شهروندان بدون اجازه مدیر برنامه‌ریزی مطمئن نبودند (همان). کافمن^۳ (۱۹۸۵b) در یک مطالعه میان فرهنگی از برنامه‌ریزان آمریکایی و اسرائیلی دریافت که بیشتر، برنامه‌ریزان اسرائیلی تا آمریکایی طرفدار جهت‌گیری‌های ارزشی اساسی مانند نگرانی برای محیط‌زیست، نیازهای مردم کم‌درآمد و حمل‌ونقل عمومی هستند. علاوه بر این، اسرائیلی‌ها بر این باور بودند که مسائل اخلاقی از نظر دامنه و تعداد، گسترده‌تر از آمریکایی‌ها هستند. همچنین برنامه‌ریزان اسرائیلی بیشتر در معرض پایبندی به دیدگاه اخلاقی وظیفه‌گرایانه بودند و بنابراین تمایل کمتری به تفکر موقعیتی در مورد اخلاق داشتند (Kaufman, 1985).

سؤالات پژوهش

۱. سناریوهای اخلاقی در برنامه‌ریزی چیست و محتمل‌ترین آن‌ها برای رعایت اخلاق حرفه‌ای در حوزه مهندسين مشاور شهرساز در ایران چیست؟
۲. شاخص‌های اخلاقی در حوزه عمل مهندسين مشاور شهرساز در ایران چیست و به چه میزان در برنامه‌ها و طرح‌های شهری و منطقه‌ای مورد استفاده می‌باشد؟
۳. مهم‌ترین تأثیر عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای در برنامه‌های شهری و منطقه‌ای در ایران از نگاه مهندسين مشاور شهرساز و راهکار پیشنهادی برای تعدیل تأثیرات منفی چیست؟

مبانی نظری پژوهش

اخلاق نهادی

منظور از اخلاق، مطالعه رفتار اخلاقی است. اخلاق در اینجا با فلسفه اخلاق مترادف است؛ بنابراین اصول اخلاقی به شکل بیانیه‌های تعمیم یافته از آنچه که رفتار خوب و بد، درست و نادرست را تشکیل می‌دهد، در نظر گرفته می‌شوند. این اصول معمولاً به عنوان دو نوع طبقه‌بندی می‌شوند: غایت‌شناختی (پیامدی) یا وظیفه‌گرایانه (غیر پیامدی)؛

پژوهشگرانی به بررسی عوامل آسیب‌زای اخلاق حرفه‌ای پرداخته‌اند. از جمله فرحناز مشایخ و همکاران پژوهشی تحت عنوان «آسیب‌شناسی اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت علمی» به شیوه کیفی و با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق و معیار اشباع نظری در بین ۱۲ نفر از متخصصان اخلاق حرفه‌ای انجام داده‌اند و نتایج بدست آمده در این پژوهش به سه مفهوم اصلی شامل عوامل فردی، عوامل سازمانی و عوامل

1. Howe and Kaufman

2. Barrett's

3. Kaufman

بنابراین رفتار اخلاقی، رفتاری است که یا منجر به وضعیت مطلوب امور می‌شود و یا ذاتاً درست است. برعکس، رفتار غیراخلاقی چیزی است که یا منجر به عواقب منفی می‌شود و یا حقوق را نقض می‌کند و یا وظایف را نادیده می‌گیرد. ملاحظات اخلاقی بر بسیاری از آنچه که برنامه‌ریزان انجام می‌دهند، تأثیر می‌گذارد.

در میان قوانین و مقررات مختلف شهری، آن‌هایی از همه بنیادی‌ترند که تحت تأثیر استفاده و تحول زمین، فضاها و ساختمان‌ها قرار دارند. این قبیل مقررات مربوط می‌شوند به آنچه می‌تواند ساخته شود، تغییر پیدا کند، کجا و چگونه و مبتنی بر کدام اصول و استانداردها باشد، چه نوع فعالیت‌هایی می‌تواند در ساختمان‌ها و مکان‌ها صورت بگیرد، تحت چه شرایطی، کدام خدمات (توسط بخش خصوصی یا دولتی) باید ارائه شود و اینکه کدام قوانین مبنای استفاده از فضاها و خصوصی و عمومی قرار بگیرد. همه این موارد و بسیاری موارد دیگر از جمله عواملی‌اند که ارتباط تنگاتنگی با مسئله استفاده و تحول زمین، فضاها و ساختمان‌ها از یک سو و مسئله اخلاق از سوی دیگر دارد. این دسته از قوانین شهری و برنامه‌ریزی که در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی به اجرا گذاشته می‌شوند، دارای یک اثر قابل توجه بر روی کیفیت زندگی ما و همچنین رشد شبکه اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی است.

از جمله مسائل اخلاقی که در این زمینه قابل طرح است: (۱) حدودی است که حکومت (ملی و محلی) در قوانین و مقررات تعیین می‌کند، (۲) و در آن چارچوبی که تعیین می‌کند کدام اهداف باید دنبال شود. همان‌گونه که جیمز بوچانان و روگر کونگلتون (۲۰۰۳) بیان می‌کنند، هنوز هم یک درک گسترده از این موضوع وجود ندارد که سیاست‌های غیریکپارچه و غیرواقف به همه چیز، نیازمند یک مرجع مناسب اخلاقی‌اند تا نیروهای منفی را محدود نمایند. به بیان دیگر، نیاز است تا در قوانین مربوط به محدودسازی آن چیزهایی که برای اجتماع محلی مضر است، یک بازاندیشی صورت بگیرد و در عین حال، از فعالیت‌های کارآمد حمایت و حفاظت شود؛ بنابراین، در چنین شرایطی دموکراسی لازم است تا در قالب محدودیت‌ها عمل شود. از نظر مورونی (۲۰۱۳) امروز با توجه به شرایط موجود در شهرها لازم است تا مقررات حاکم بر شهرها منطبق بر معیارهای اخلاقی زیر باشد: (۱) سادگی، (۲) ضدبوروکراسی، (۳) بی‌طرفی، (۴) ثبات، (۵) باز بودن چارچوب قوانین. بخش عمده‌ای از پیش‌نیازهای فوق در زمینه قوانین و مقررات شهری به مثابه یک مکانیزم پنهان عمل می‌کند که مانع از رفتارهای نامشروع و خودسرانه در بخش تصمیم‌گیری‌های

عمومی می‌شود. این امکان همچنین می‌تواند از طریق مشروط نمودن یا پذیرش عدم قطعیت درباره میزان دانش ما درباره توزیع دقیق هزینه‌ها و فایده‌های تصمیمات خاص حاصل شود.

البته نکته این نیست که اداره‌های کاربری زمین و سازندگان آن به خودی خود، مستعد فساد هستند. بلکه موضوع این است که سیستم‌های حقوقی-اداری سنتی در زمینه کاربری زمین فی‌نفسه منجر به تشویق و تحریک انجام یک سری اقدامات در چنین مسیرهایی می‌شود. همان‌گونه که جان گاردیتر (۱۹۸۵) بیان می‌کند؛ فساد تنها در زمانی می‌تواند رخ دهد که یک اداره یا مقام مسئول دارای یک فرصت برای استفاده از نفوذ و قدرتش به شیوه‌ای شود که منافع برخی از افراد را به صورت غیرقانونی و نامشروع (غالباً از طریق گرفتن رشوه) بر منافع عمومی یا افراد دیگر اولویت دهد.

وظایف عمومی و خاص اخلاق حرفه‌ای

از جمله وظایف و تعهدات اخلاقی عمومی که متخصصان شهری (از جمله معماران، طراحان و برنامه‌ریزان شهری) لازم است رعایت نمایند، موارد زیر را می‌توان نام برد:

(۱) احترام به دیگر همکاران و وظیفه‌شناسی و صداقت در برابر مشتریان؛ (۲) کاربرد درست دانش، تکنیک‌ها و داده‌ها؛ (۳) اجتناب از فریب و تقلب؛ (۴) اجتناب از ایجاد تعارض بین منافع؛ (۵) امتناع از اولویت دادن منافع فرد یا گروهی بر فرد یا گروه دیگر؛ (۶) دنبال نمودن نتایج با کیفیت بالا و در عین حال، در نظر گرفتن واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های ممکن در برابر یک انتخاب یا اقدام خاص.

برخی از این تعهدات اخلاقی فوق از ویژگی «ماهوی» و برخی نیز از ویژگی «رویه‌ای» برخوردارند. اگرچه این قبیل تعهدات در ابتدا بسیار بدیهی و ساده به نظر می‌رسند؛ اما غالباً متعهد ماندن به آن‌ها در عمل بسیار دشوار است.

با توجه به پیچیدگی‌های بسیار بالا در تحولات شهری امروز، از جمله تعهدات و مسئولیت‌های اخلاقی متخصصان شهری، (به ویژه برنامه‌ریزان و طراحان شهری) این است که محدودیت‌های ذاتی در دانش را به رسمیت بشناسند. متأسفانه هنوز هم برخی از افراد فعال در حوزه برنامه‌ریزی شهری یا منطقه‌ای، دانشجویان در این حوزه را با این نگرش آموزش می‌دهند که دانش آن‌ها درباره شهر از یک ویژگی علمی (حتمی و قطعی) برخوردار است. این باور کاذب به ویژه در زمینه استفاده از مدل‌های کمی یا فنون پیش‌بینی و تحت تأثیر روابط عددی و نه نگاه به واقعیات

به رسمیت شناختن محدودیت‌های ذاتی اخلاق حرفه‌ای

صرف‌نظر از رعایت اصول اخلاقی فوق، یک متخصص شهری به‌طور کلی می‌بایست نسبت به برخی ویژگی‌های امروز شهرها آگاهی داشته باشد. این ویژگی‌ها از یک ماهیت غیرقطعی و غیرقابل پیش‌بینی دقیق برخوردارند.

از جمله پیامدهای بنیادی پیچیدگی شهرهای امروز در حقیقت توانایی ما در انجام عمل پیش‌بینی آینده شهرهاست؛ به‌طوری‌که ما امروز صرفاً قادریم یک «پیش‌بینی الگو» را انجام دهیم، به علاوه، در هر شکلی از پیش‌بینی، یک پیش‌بینی مشخص، صرفاً برخی از ویژگی‌های یک پدیده خاص را و نه همه آن‌ها را بیان می‌کند. چنین پیش‌بینی‌هایی از یک توان بسیار محدود برخوردارند. یک «پیش‌بینی الگو» در واقع، رویدادهای خاص را پیش‌بینی نمی‌کند، بلکه طبقات گسترده‌ای از رویدادها را و به بیان دقیق‌تر گستره‌ای از رویدادها را پیش‌بینی می‌کند. این نوع پیش‌بینی صرفاً دلالت بر نوع رویداد و نه ماهیت آن دارد. اصطلاح «پیش‌بینی الگو» دلالت بر این دارد که ما صرفاً قادر به یک پیش‌بینی مشروط و کیفی و نه یک پیش‌بینی عددی و دقیق درباره پدیده موردنظر هستیم.

همچنین لازم است تا با توجه به شرایط جدید حاکم بر شهرهای امروز، یک تجدیدنظر اساسی نسبت به گفتمان‌های حاکم بر موضوع مدل‌سازی شهری بیافکنیم. امروزه طیف متنوعی از مدل‌های شهری ظهور پیدا کرده‌اند که از یک پیچیدگی بیشتر نسبت به نوع سنتی مدل‌ها برخوردارند و به دنبال تبیین مکانیزم تحولات در شهرهای امروز هستند.

به‌طور کلی با توجه به این اشاره مختصر می‌توان گفت که وظیفه اخلاقی متخصصان شهری این است که آن‌ها نباید مدعی ارائه یک راه‌حل قطعی باشند. آن‌ها نباید مدعی این باشند که مدل‌های آن‌ها قادر است تا فراتر از یک نقطه‌نظر خاص عمل کند. این یک وظیفه اخلاقی است برای همه آن متخصصانی که بر روی شهرهای امروز مطالعه، پژوهش و کار می‌کنند تا مدعی داشتن یک دانش کامل و توانایی پیش‌بینی فراتر از آن چیزی نباشند که در واقعیت وجود دارد؛ زیرا چنین رویکردی هیچ‌گاه نمی‌تواند با زمینه‌ای نظیر برنامه‌ریزی شهری یا منطقه‌ای سازگاری داشته باشد. مسائل اخلاقی تحت تأثیر سطوح مختلف عمل (نهادی، حرفه‌ای و...) و فراتر از زمینه‌های تخصصی برنامه‌ریزی،

اصول اخلاقی برنامه‌ریزی

هدف اصلی سیستم برنامه‌ریزی، شناسایی و برنامه‌ریزی استفاده از زمین برای یک جامعه محلی و یک زیرساخت ملی و ارائه یک سیستم کنترل توسعه عادلانه برای برنامه‌ریزی کاربردها و دآوری در صورت بروز اختلاف است (Fewings, 2008). برنامه‌ریزی یکی از خدمات مقامات محلی است که بیشترین بازخورد را ایجاد می‌کند، زیرا تصمیمات اتخاذ شده برای اجازه دادن به انواع خاصی از توسعه بر ارزش‌های خانه و کسب‌وکار تأثیر می‌گذارد و تصمیمات کنترل توسعه فردی به‌طور مستقیم به کیفیت زندگی و پیشرفت‌های جدید مرتبط هستند (همان). اصول اخلاقی هم از ارزش‌های کلی جامعه و هم از مسئولیت خاص برنامه‌ریز برای خدمت به منافع عمومی نشأت می‌گیرند (Brown, 2002). ارزش‌های اجتماعی اغلب با یکدیگر رقابت می‌کنند. از نظر اجتماعی، آن‌ها باید تلاش کنند تا انتخاب و فرصت را برای همه افراد با مسئولیت ویژه گسترش دهند تا نیازهای افراد و گروه‌های محروم را برنامه‌ریزی کنند. این رویکرد فاقد ارزش، تسهیل‌کننده/میانجی را به چالش می‌کشد که اغلب با یک دستور کار نگرانی اجتماعی مطرح می‌شود (همان). اخلاق، مشروعیت و اعتبار مهارت‌ها، دانش سیستم برنامه‌ریزی و کسانی که آن را اجرا می‌کنند، به اندازه کافی مورد بحث نیستند (Fewings, 2008).

برنامه‌ریزی ذاتاً در مورد اخلاق اجتماعی است؛ و کمک کمی به ما برای آماده‌سازی بهتر برنامه‌ها، تبدیل شدن به برنامه‌ریزان بهتر، یا حتی افراد اخلاقی بیشتر می‌کند (Wachs, 2013). اقدامات برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به‌طور گسترده‌ای به عنوان محتوای اخلاقی شناخته شده است، چه جهان را بهتر کنند و چه نکنند، چه برنامه‌ها با شکست مواجه شوند و یا موفق شوند، نه به این دلیل که الزامات اخلاقی خاص را ترویج می‌دهند بلکه به این دلیل که آن‌ها ساکت، مبهم و یا سازگار با موقعیت‌های اخلاقی جایگزین هستند (Lindblom, 1979).

با توجه به دامنه گسترده این معضلات غیرقابل‌حل، برنامه‌ریزان از نظر تاریخی محتوای اخلاقی برنامه‌ها را از محتوای اخلاقی عمل حرفه‌ای روزانه برنامه‌ریزی جدا کرده‌اند. اصول اخلاقی حرفه‌ای در کدهایی محصور شده‌اند که توسط برنامه‌ریزان در بسیاری از کشورها با درجه‌ای از تشریفات سازمانی اتخاذ شده‌اند. با این حال، ارزش‌های ما در حرفه کم‌تر از والدین، معلمان و ابعاد مذهبی و فرهنگی

جهان است (Wachs, 1990). اخلاق حرفه‌ای برای کمک به ما در تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا محتوای یک برنامه، طراحی، یا برنامه از نظر اخلاقی درست است یا خیر، بسیار کم‌تر عمل می‌کند (Wachs, 2013). کدهای حرفه‌ای هم برنامه‌ریزان و هم مردم را از طیف گسترده‌ای از رفتارهای نامناسب از سوی برنامه‌ریزان دیگر مانند دروغ‌گویی، تقلب، اتکا به نفوذ سیاسی، آزار و اذیت و تبعیض آشکار براساس ویژگی‌های شخصی، از بین بردن قیمت و ادعای نادرست در زمان صلاحیت تبلیغات یا رقابت کمیسیون‌ها برای انجام کار حرفه‌ای محافظت می‌کنند (همان).

ایده برنامه‌ریزی

اصطلاح «ایده برنامه‌ریزی» برای نشان دادن مفهوم برنامه‌ریزی به عنوان یک فعالیت اجتماعی به جای مجموعه خاصی از مقررات دولتی یا یک نهاد حرفه‌ای خاص به کار می‌رود؛ بنابراین ایده برنامه‌ریزی مقدم بر یک مجموعه خاص از فعالیت‌ها یا مؤسسات است و یک نقطه داوری را فراهم می‌کند که از آن به قضاوت در مورد انحراف الزامات قانونی یا حرفه‌ای و از این‌رو امکان چالش و براندازی می‌پردازد. این امر به همان اندازه که برای حرفه برنامه‌ریزی یک مسئله است، برای رشته دانشگاهی نیز یک مسئله است. اگر ندانید که چه کسی هستید، دفاع مؤثر از زندگی آینده، بسیار مشکل‌ساز می‌شود (Campbell, 2012). ایده برنامه‌ریزی براساس این انتظار استوار شده است که از طریق مداخله و عمل، فضا و نتایج بهتری را می‌توان نسبت به حالت دیگر به دست آورد. این ماهیت بهتر است که نیازمند تعامل با نگرانی‌های اخلاقی باشد. این امر اخلاق را نه به عنوان حوزه‌ای مشکل‌ساز و نگران‌کننده در بحث برنامه‌ریزی، بلکه به عنوان پایه‌ای برای آینده رشته‌ای مترقی و حرفه‌ای حیاتی قرار می‌دهد. در نگاه به آینده سه حوزه باید اولویت‌بندی شود:

اول، گرایش در نظریه و در عمل به تمرکز بر «بهترین»، به جای «بهتر»، عمیقاً ضد تولیدی است. بیش سانیال (۲۰۰۲)، با مشاهده این که برنامه‌ریزان باید بیشتر در مورد ویژگی‌های سازش اخلاقی درک کنند، اشاره کرد که انعطاف‌پذیری به معنای غیراصولی بودن نیست. به همان اندازه، اصولی بودن به معنای متعصبانه بودن نیست، بلکه به معنای توانایی تشخیص یک مصالحه خوب از یک مصالحه بد است. به‌طور خلاصه، آمارتیا سن (۲۰۰۹) در کتاب اخیر خود در زمینه عدالت بر این نکته تأکید می‌کند که تا چه حد با جستجوی تصویری نهایی از عدالت، امکان

پیشرفت‌های عملی که بی‌عدالتی را کاهش خواهد داد، از بین می‌رود.

دوم، به عنوان جامعه‌ای دانشگاهی و حرفه‌ای، برنامه‌ریزان باید هنر گفتگو را کشف کنند؛ که ممکن است با توجه به تأکید نظریه برنامه‌ریزی بر عمل ارتباطی و مشورت و ادبیات گسترده حاصل از آن، اولویتی عجیب به نظر برسد. با این حال، در حالی که چیزهای زیادی در مورد ارتباطات یاد گرفته شده است، واضح است که برنامه‌ریزان، شاید دانشگاهیان (به ویژه نظریه‌پردازان) بیش از متخصصان، در تلاش برای بیان و صحبت در مورد موضوعات جوهر و ارزش اخلاقی هستند. لفاظی «این نظر شماس» یا «این خارج از حوزه من است» به گفتگوهای معنی‌دار بیشتر کمک نمی‌کند؛ بلکه نیاز به توسعه توانایی‌ها در استدلال وجود دارد، نه به معنای خودخواهانه تمایل به امتیازدهی، بلکه به عنوان مبنایی برای پیشبرد ایده برنامه‌ریزی.

سوم اینکه، «چه» و «چگونه» آموزش اخلاق برای برنامه‌ریزی دانشجویان باید موردتوجه بیشتری قرار گیرد. از بحث قبلی آشکار است که آموزش اخلاق بسیار بیشتر از مقدمه‌ای بر اصول اخلاقی حرفه‌ای مربوطه است. این در مورد تجهیز دانشجویان برای پرسیدن سؤالات در مورد اقداماتی است که با آن مواجه می‌شوند. در سال ۱۹۶۵ پل داویدوف در مقاله اصلی خود اعلام کرد:

برنامه‌ریزی تلاشی اخلاقی است که در آن برنامه‌ریزان باید انتخاب‌های اخلاقی داشته باشند. برنامه‌ریزی تلاشی هنجاری است که انتخاب بین دوره‌های عملی جایگزین و مجموعه‌ای از نتایج پیش‌بینی‌شده را در برمی‌گیرد. در ارتباط با این انتخاب‌ها، مسائل اخلاقی هستند که از پرسش‌های رویه‌ای مانند تضاد منافع تا پرسش‌های اساسی مانند این که آیا برنامه‌ریزان باید از حقوق گروه‌های اقلیت دفاع کنند، دامنه می‌گیرند. این مسائل و مسائل مرتبط، برنامه‌ریزان را ملزم می‌کند تا تصمیماتی اتخاذ کنند که به‌طور ضمنی یا صریح، با دیدگاه‌های ایجاد شده از آنچه که رفتار اخلاقی را تشکیل می‌دهد، مطابقت داشته باشند (Hendler, 1991).

در زمانی که تأکید بیشتری به اخلاق در جامعه به‌طور کلی و به اخلاق در حرفه‌ها به‌طور خاص داده می‌شود، مهم است که بدانیم برنامه‌ریزان به چه چیزی باور دارند. مبانی اخلاقی عمل آن‌ها چیست و اینکه این مواضع از کجا می‌آیند؟

سطوح گفتمان اخلاقی در شرایط امروز

یک حالت مناسب و متناسب با رشد و کمال انسانی در شهرهای معاصر نیازمند به رسمیت شناختن تکثرگرایی مفاهیم و ادراکات از امر خوب و همچنین نگاه به پیچیدگی به مثابه ویژگی ذاتی دنیای اجتماعی است. البته باید اشاره نمود که به رسمیت شناختن تکثرگرایی در ادراکات و مفاهیم از امر خوب لزوماً به معنای تکثرگرایی/نسبی گرایی ارزش‌ها مثلاً شکاکیت در اخلاق نیست، بلکه به معنای ارائه یک فرایند و دربرگیرنده همه ارزش‌های اخلاقی متکثر است. از نظر مورونی (۲۰۱۳) بازخوانش یک نگرش اخلاقی برای شهرهای معاصر لازم است در چندین سطح کارکرد داشته باشد. در اینجا به دو سطح مهم اشاره می‌شود: (۱) موضوعات مربوط به اخلاق نهادی «آن گونه که در نهادهای دولتی و محلی وجود دارد» و (۲) موضوعات مربوط به اخلاق حرفه‌ای (مربوط به متخصصان شهری از قبیل برنامه ریزان کاربری زمین، معماران و تحلیل‌گران سیاست شهری). در هر دو این سطوح، اخلاق صرفاً محدود به توصیه‌های اخلاقی نیست. بلکه همچنین شامل جنبه‌های اجرایی آن از جمله قانون‌گذاری و دستورالعمل‌های لازم‌الاجرای اخلاقی از سوی متخصصان نیز هست.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت و اهداف، کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی و تحلیلی است. در تدوین چارچوب نظری با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای اقدام شده است. سپس با استفاده از روش مصاحبه نیمه عمیق و روش دلفی موردپژوهی صورت خواهد گرفت. در نهایت براساس تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه‌ها و تدقیق سناریوهای بدست آمده در مبانی نظری، یافته‌های پژوهش ارائه خواهد شد. مصاحبه، ابزاری است که امکان بررسی موضوع‌های پیچیده، پیگیری پاسخ‌ها یا پیدا کردن علل آن و اطمینان یافتن از درک سؤال از سوی آزمودنی را فراهم می‌سازد. مصاحبه دارای انواع متعددی از جمله: سازمان‌یافته، سازمان‌نیافته، استاندارد، نیمه استاندارد و عمیق می‌باشد (براتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۲)؛ که حسب استفاده در پژوهش حاضر از مصاحبه عمیق استفاده شده است.

زمانی که بنا باشد درباره اتفاق نظر یک جمع صاحب‌نظر در یک موضوع خاص به بررسی پرداخته شود، از روش دلفی استفاده می‌شود (شیعه و همکاران، ۱۳۹۲). این روش، فرآیندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی

دانش موجود در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان است که از طریق مصاحبه و توزیع پرسش‌نامه‌هایی در بین افراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرهای دریافتی صورت می‌گیرد؛ بنابراین در این پژوهش، به منظور پالایش و ارزیابی تناسب عوامل مستخرج از ادبیات موضوع، از روش دلفی استفاده شده است. ساختار روش پیشنهادی به‌گونه‌ای است که طی مراحل محدود منجر به اجماع خواهد شد. گروه اصلی شرکت‌کننده در این پژوهش به تعداد ۴۶ نفر شامل پیمانکاران، سازمان‌های دولتی و تعدادی از شرکت‌های مشاور درگیر در این حوزه می‌باشد. به‌صورت مختصر در جدول شماره ۱، روش‌های اجرایی پژوهش بیان شده است.

جدول شماره ۱: روش‌های اجرایی پژوهش

گام	روش‌ها و فنون مورد استفاده
ساخت چارچوب نظری	گردآوری ادبیات پژوهش و ارائه سناریوهای محتمل، با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای
موردپژوهش	استخراج شاخص‌ها و بررسی سناریوها بر مبنای جامعه هدف، با استفاده از روش‌های مصاحبه عمیق و روش دلفی
یافته‌های پژوهش	تحلیل و تدقیق سناریوها و ارائه سناریو مطلوب

یافته‌های پژوهش

سناریوهای مطرح شده در پژوهش

الف- سطوح پایین به بالا (سازندگان، برنامه‌ریزان، نمایندگان جوامع محلی)

۱- درخواست جامعه محلی از سازمان‌های عمومی برای توجیه خدمات غیرمتعارف نظیر مترو برای شهرهای کم‌جمعیت و همچنین سازش برای استفاده غیرمتعارف از منابع و نادیده گرفتن قوانین نظیر تغییر کاربری کشاورزی به ویلاسازی در اراضی طبیعی و کشاورزی و عدم رعایت حرایم منابع آب شرب.

۲- سکوت کارشناسان در برابر سوءاستفاده مسئولین (کارفرما و مسئولان اجرایی) از طرح‌های پیشنهادی.

۳- انحلال سازمان‌های مردم‌نهاد در صورت خروج از مسیر درست مطالبه‌گری.

۴- تأثیر جامعه محلی بر برنامه‌ریزان جهت تأمین منافع آن‌ها در مقابل قوانین و مقررات و سطوح بالا.

۵- چانه‌زنی جامعه محلی برای استفاده حداکثری از منابع طبیعی موجود در منطقه برای محدوده‌ای خاص.

ب- سطوح میانی

۱- تغییر کاربری پهنه حفاظت به پهنه مختلط و افزایش ظرفیت جمعیت‌پذیری پهنه به منظور افزایش امکانات بافت فرسوده شهری.

۲- درخواست سازش متقاضی خصوصی مبنی بر تغییر ضوابط طرح در پهنه غیرگردشگری و دریافت مجوز تفریحی و گردشگری.

۳- درخواست تغییر خط محدوده شهری و ورود قطعه موردنظر به محدوده شهری و تغییر کاربری کشاورزی به سکونت توسط تعاونی‌های مسکن در طرح جامع برای اقشار کم‌درآمد.

۴- تبانی پیمانکار و شرکت‌های مشاور (به عنوان ناظر) جهت طولانی کردن مدت‌زمان انجام پروژه به نفع پیمانکار.

۵- استفاده شرکت‌های مشاور از ضعف اطلاعاتی سازمان و انتقال تجربیات و دانش به ذی‌نفعان (اگر منفعت ذی‌نفعان نسبت به منفعت کارفرما بیشتر مطرح باشد)

۶- چانه‌زنی شرکت‌های مشاور برای کارفرما جهت گرفتن پروژه برای بقای شرکت‌های مشاور.

۷- دخالت افراد دارای مسئولیت در سازمان‌های اجرایی برای افزایش منافع شخصی از طریق اعمال قدرت و تحت فشار قرار دادن مهندسین مشاور.

ج- سطوح بالا به پایین (بخش دولتی)

۱- درخواست توجیه افزایش جمعیت پیش‌بینی افق طرح تفصیلی و به تبع آن افزایش تعداد واحدهای مسکونی موردنیاز برای محدوده به دلیل رفع مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی پیرامون شهرها.

۲- درخواست توسعه پالایشگاهی در استانی توسعه‌نیافته با منابع محیط‌زیستی پراهمیت و در معرض آسیب، صرفاً به دلیل افزایش توان اقتصادی و ایجاد اشتغال کوتاه‌مدت.

۳- درخواست پیش‌بینی جمعیت بیش از ظرفیت برای

شهر جدید به منظور توسعه زمین و افزایش محدوده شهر و ورود محدوده موردنظر به محدوده شهر جدید.

۴- سازش با خواسته‌های دولت مبنی بر محدود کردن خدمات و یا ارائه ضوابط سخت‌گیرانه در راستای کسب درآمد.

۵- مخالفت کارفرما با مشارکت شهروندان در مراحل مختلف تهیه طرح ناشی از تفکر عدم آگاهی شهروندان و بی‌اعتمادی به دانش تجربی آنان.

۷- تأمین منافع کوتاه‌مدت کارفرمایان برخلاف منافع بلندمدت جامعه توسط شرکت‌های مشاور به دلیل فشارهای قدرت.

۸- اعمال فشار برای جایگذاری محدوده‌های غیرمجاز پیش‌بینی نشده در طرح آتی از طرف مسئولان اجرایی

۹- عدم توانایی استقامت مشاور در برابر خواسته‌های کارفرما به علت مسائل مالی.

در جدول صفحه بعد پاسخ‌های افراد مورد پرسش در پژوهش آورده شده است. نظرات افراد از کاملاً اخلاقی تا کاملاً غیراخلاقی (براساس طیف لیکرت) امتیازبندی شده و در ادامه به نتایج حاصل این پژوهش پرداخته شده است

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرآیندی
پژوهش‌های علمی و مطالعات فرآیندی
پژوهش‌های علمی و مطالعات فرآیندی

[illegible]

بحث و نتیجه‌گیری

بشر اگرچه در طول تاریخ حیات خود به ویژه بعد از انقلاب صنعتی، نردبان ترقی را با سرعت طی نموده و به سطح مطلوبی از رشد و توسعه در زمینه‌های مختلف دست یافته است، اما امنیت، سلامت و به‌طور کلی آرامش و آسایش خود را از دست داده است. چرا که نظام‌های صنعتی به دلیل بنیان‌های مادی و سرمایه‌محورشان، افراد را علی‌رغم سرشت و طبیعت پاک‌شان از معیارهای ارزشی دور ساخته و نه‌تنها گفتار، کردار و پندار آنان را تغییر می‌دهد، بلکه می‌توانند آنان را از مسیر تکامل و سعادت‌مندی دور سازند. به نظر می‌رسد این وضعیت در حوزه شهرسازی به‌تناسب قربات هدف آن با منافع عمومی متأسفانه شاهد شدیدی‌تر شدن مادی‌گرایی و دوری از اخلاق حرفه‌ای هستیم که نتیجه غلبه منافع اقتصادی به منافع اجتماعی و بروز مشکلات اخلاق حرفه‌ای می‌باشد. با توجه به تخصصی شدن حوزه‌های مختلف توسعه سازمانی و لزوم استفاده سازمان‌ها از شرکت‌های مشاور در زمینه‌های مختلف، توجه به ابعاد گوناگون روابط کارفرما، مشاور و پیمانکار اهمیت فراوانی دارد. گرچه تجربه‌های موفق قابل‌توجهی در ارتباط با استفاده از دانش و مهارت شرکت‌های مشاور در سازمان‌ها وجود دارد، ولی تجربیات ناموفق هم کم نیستند. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های خطر و آسیب در این زمینه عدم رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای می‌باشد. گرچه در روابط میان سازمان‌ها با مشاوران، آسیب‌های اخلاق حرفه‌ای توسط سازمان‌ها نیز وجود دارد ولی با توجه به زمینه‌های گسترده‌تر و موارد متنوع‌تر این موضوع در زمینه فعالیت‌های مشاوران، توجه به این آسیب‌ها در طرف مشاور نیازمند توجه جدی‌تری می‌باشد.

از طرفی ما در شرایطی مدرنیته قرار داریم و از دستاوردهای مدرنیته استفاده می‌کنیم. شهرسازی فرزند مدرنیته است و شرایط خاص خود را دارد و بدون از دست دادن داشته‌های بومی خود باید از مدرنیته در شهرسازی استفاده کرد. در این زمینه باید حرفه‌ای رشد کرد و این وظیفه به عهده شهرسازان است؛ چرا که رشد شتابان جامعه، روابط دگرگون بین انسان‌ها را آفریده و نتیجه آن پیچیدگی‌ها و روابط سازمان‌ها و نهادها را به بار آورده که گاهی شاهد ایجاد تضاد منافع هستیم. اگرچه هر گروه با توجه به محدودیت منافع بر دیگری پیروز می‌شود که در نتیجه، در قسمت اعظم دنیا، منافع فردی بر جمعی قالب می‌شود. اخلاق حرفه‌ای یک تعهد جمعی با تلاش جمعی و سیستمی برای اخذ نتیجه است. اخلاق حرفه‌ای در شهرسازی ایرانی

دچار دگرگونی و روزمرگی شده است. شهرهای ما بیشتر معلولیت‌زا و بیماری‌زا هستند تا مکانی برای رشد و تحول مثبت برای تحقق کرامت انسان.

بررسی جایگاه و وضعیت استانداردهای اخلاق در بین مهندسان مشاور شهرسازی می‌تواند به سیاست‌گذاران، مدیران و برنامه‌ریزان شهری در اتخاذ راهبردهای مناسب برای کاهش شکاف بین وضع موجود و مطلوب و ارتقای وضعیت چنین استانداردهایی مدد رساند. هر قدر مزایای حاصل از رعایت اصول اخلاقی در بین مهندسين مشاور، پیمانکاران و کارفرماها فراگیرتر باشد، میزان تعهد نیز از درجه بالاتری برخوردار است. همچنین هر قدر محدودیت‌های اعمال شده ناشی از اصول اخلاقی، منطقی‌تر باشد، پایبندی به آن نیز محکم‌تر خواهد بود. تعمیق و گسترش ارزش‌های حاکم بر رفتار مهندسين مشاور شهرسازی در همه سطوح می‌تواند موجب افزایش التزام اجتماعی مهندسان و پیمانکاران و اعتماد بیشتر جامعه به فعالیت‌های این قشر گردد. بازار کوچک کشور در حوزه شهرسازی (که بخش قابل‌توجهی از آن دولتی بوده و در موارد زیادی بر مبنای الزامات قانونی و یا ملاحظات سیاسی ترجیح می‌دهند با شرکت‌های مشاور دولتی همکاری نمایند)، رقابت شدیدی میان شرکت‌های مشاور ایجاد کرده است. در این شرایط، بسیاری از شرکت‌ها برای بقا در بازار رقابتی، اولویت اصلی تصمیم‌گیری‌شان را ملاحظات اقتصادی قرار می‌دهند؛ حتی اگر به قیمت ایجاد مشکل در دستیابی به اهداف و چشم‌اندازهای بلندمدت آن‌ها شود. نتیجه غلبه منافع اقتصادی به منافع اجتماعی، بروز مشکلات اخلاق حرفه‌ای می‌باشد. در پژوهش حاضر آسیب‌شناسی اخلاق حرفه‌ای مهندسين مشاور در سه دسته سناریو، الف) سطوح پایین به بالا (سازندگان، برنامه‌ریزان، نمایندگان جوامع محلی)، ب) سطوح میانی (ج) سطوح بالا به پایین (بخش دولتی) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از پرسش‌نامه که ۴۶ نفر از مهندسين مشاور، پیمانکاران و کارفرماهای مرتبط شهرسازی بدان پاسخ داده‌اند، نشان‌دهنده وضعیت نامناسب اخلاق حرفه‌ای می‌باشد. به‌طوری‌که در ۲۰ سناریو مطرح شده، به‌طور میانگین، نظر افراد متوسط رو به پایین می‌باشد؛ که این امر با دقت در اعداد بدست آمده از انحراف معیار و واریانس نیز مشهود است که میزان پراکندگی کمتر نتایج حاصل از تحقیقات میدانی را نشان می‌دهد (اختلاف اعداد بدست آمده با میانگین کم است)؛ در این میان لازم است ریشه‌های بروز این آسیب‌ها موردتوجه جدی محققان و تصمیم‌گیران قرار گرفته و راه‌حل‌های استراتژیک و عملیاتی مربوط، مشخص شود. مبنای اصلی تصمیمات و

رفتارهای شرکت‌های مشاور، بیش از آن‌که مبتنی بر حل مشکلات باشد، معطوف به تأمین منافع اقتصادی خودشان است. تحقیقات میدانی نشان می‌دهد که در مورد همه سناریوها به جز سناریوهای شماره ۱۷ و ۲۰، نظری متوسط نسبت به اخلاقی یا غیراخلاقی بودن آن سناریو داشته‌اند؛ که این نشان می‌دهد افراد مختلف با سلیقه‌های مختلف، ممکن است امری را اخلاقی یا غیراخلاقی بدانند. ولی در مورد سناریو بیستم، اکثر پرسش‌گران نسبت به این موضوع، نظری مثبت نسبت به غیراخلاقی بودن این سناریو دارند. در توضیح این سناریو (عدم توانایی استقامت مشاور در برابر خواسته‌های کارفرما به علت مسائل مالی) می‌توان گفت که شرکت‌های مشاور منافع کوتاه‌مدت حاصل از طرح‌ها را با منافع بلندمدت ارتباط با مشتریان و حسن شهرت در میان شرکت‌های مشاور و مشتریان ترجیح می‌دهند؛ و این سبب تن دادن به خواسته‌های کارفرمایان در قبال مسائل اقتصادی می‌شود، هرچند که این امر مسئله‌ای غیراخلاقی دانسته شده است. همچنین در مورد سناریو شماره ۱۷ (مخالفت کارفرما با مشارکت شهروندان در مراحل مختلف تهیه طرح ناشی از تفکر عدم آگاهی شهروندان و بی‌اعتمادی به دانش تجربی آنان) نیز تقریباً اکثر افراد آن را امری غیراخلاقی دانسته و موافق مشارکت شهروندان محلی در مراحل تهیه طرح‌ها می‌باشند. چراکه معتقدند افراد محلی نسبت به محل زندگی خود شناخت بیشتری داشته و به مسائل و مشکلات منطقه خود، آگاهی بیشتری دارند.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش می‌توان گفت، از جمله مهم‌ترین اصول و معیارها و دستورات اخلاقی ناظر بر رابطه مهندسان مشاور با دیگر همکاران حرفه‌ای به ضرورت اجتناب مهندسان مشاور از هرگونه اعمالی که به نوعی باعث مخدوش شدن حقوق دیگر همکاران شود، اجتناب از به‌کارگیری راهکارهای غیراخلاقی برای اخذ کار و همچنین ضرورت حمایت و پشتیبانی مهندسان مشاور از حقوق دیگر همکارانی که به دلیل پایبندی به اصول و ضوابط اخلاقی و حرفه‌ای مورد بی‌احترامی یا دچار ضرر و زیان شده‌اند، اشاره کرد. تلاش برای ارتقای منزلت حرفه‌ای و حفظ حرمت مهندسان مشاور، جلوگیری از هرگونه اعمالی که به نوعی باعث مخدوش شدن اذهان عمومی و کارفرمایان نسبت به منافع، حرمت و منزلت حرفه مهندسی مشاور می‌شود و همچنین تبعیت از رفتارهای اخلاق حرفه‌ای مندرج در آیین اخلاق حرفه‌ای در عمل از جمله شاخص‌ترین موارد دستورات اخلاقی ناظر بر تعهد مهندسان مشاور نسبت به منافع، حرمت و منزلت حرفه است که علاوه بر این می‌توان

به ضرورت انجام مطالعات تطبیقی و آگاهی از روش‌ها و عملکرد مهندسان مشاور برجسته داخلی و بین‌المللی برای ارتقای سطح حرفه‌ای خود به سطح شرکت‌های مشابه ممتاز داخلی و خارجی اشاره کرد.

موضوع قابل توجه دیگر برخلاف اهمیت فراوان موضوع اخلاق حرفه‌ای در زمینه‌های سازمانی و محیط‌های کاری و انجام پژوهش‌های بسیار زیاد در این زمینه، توجه کمی است که به این زمینه در روابط سازمان با ذی‌نفعان مرتبط بیرونی و به ویژه پیمانکاران و مشاوران - که اثرگذاری زیادی بر سازمان‌ها دارند- شده است. آموزش‌های دانشگاهی و سازمانی اخلاق حرفه‌ای در این حوزه می‌تواند جهت تعیین منشورها و الزامات اخلاقی به منظور انتخاب مشاوران در این زمینه راهگشا باشند. اگر می‌خواهیم به عنوان یک کشور کهن در جهان سرافراز باشیم و حتی ادامه حیات بدهیم، راهی جز آموزش و پرورش اخلاق در جامعه نداریم. لازم است اصول اخلاقی حرفه‌ای را در دانشکده‌ها آموزش و مهم‌تر این است که این اصول را در دانشجویان پرورش دهیم.

با توجه به عدم در نظر گرفتن موضوع رعایت اخلاق حرفه‌ای، اصلاح روش‌های ارزیابی و رتبه‌بندی شرکت‌ها توسط نهادهای ذی‌ربط و لحاظ نمودن شاخص‌های مرتبط با اخلاق حرفه‌ای در آن‌ها، تدوین منشورهای اخلاق حرفه‌ای توسط این نهادها و تعهد شرکت‌ها به رعایت آن‌ها از دیگر اقدامات راهگشا در این زمینه می‌باشد. توجه جدی‌تر سازمان‌ها به موضوع اخلاق حرفه‌ای شرکت‌ها در هنگام بررسی و ارزیابی پیشنهاددهندگان بر مبنای بررسی سوابق کاری آن‌ها و اخذ اطلاعات از میزان رضایتمندی سازمان‌های قبلی، توجه بیشتر به موضوعات اخلاق حرفه‌ای در قراردادهای، نیز از جمله راه‌حلی‌هایی است که می‌تواند منجر به کاهش موارد و شدت آسیب‌های اخلاق حرفه‌ای گردد.

- براتی، ن؛ داوودپور، ز؛ و منتظری، م. (۱۳۹۲). روش تحقیق در مطالعات محیط. تهران، انتشارات ساکو.
- شورچه، م. (۱۳۹۳). اخلاق در برنامه‌ریزی و طراحی شهری. انتشارات پرهام نقش.
- شیرمحمدی، م؛ و اصغری‌زاده، ع.ا. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی اخلاق حرفه‌ای در شرکت‌های مشاور (معماری سازمانی). فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پنجم، شماره‌های ۱ و ۲.
- شیعه، ا؛ دانشپور، ع؛ و روستا، م. (۱۳۹۳). تدوین مدل شاخص‌های مکانی پایداری اجتماعی به کمک روش دلفی و تکنیک شانون. فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۱۹، ۱۲۹-۱۱۹.
- مشایخ، ف؛ کریمی، ف؛ و شاه‌طلبی، ب. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت‌علمی. پژوهش‌های اخلاقی، سال نهم، شماره ۳، ۲۵۸-۲۳۷.
- ملک‌پوراصل، ب؛ و دستواره، ف. (۱۳۹۸). کدهای اخلاق حرفه‌ای در برنامه‌ریزی. فصلنامه توسعه پایدار محیط جغرافیایی، سال اول، شماره سوم، ۷۰-۸۵.

- Brown, C. C. (2002). Background Paper 2, Planning, Planners and Professionalism. Centre for Environment & Planning, University of the West of England, UK.
- Campbell, H. (2012) Planning ethics and rediscovering the idea of planning. Planning Theory, 11(4), 379-399.
- Fewings, P. (2008). The planning ethics. In Ethics for the built environment (pp.171-189). Routledge.
- Hendler, S. (1991). Ethics in planning: The views of students and practitioners. Journal of Planning Education and Research, 10(2), 99-106.
- Howe, E. & Kaufman, J. (1979). The ethics of contemporary American planners. Journal of the American Planning Association, 45(3), 243-255.
- Kaufman, A.S. & Kaufman, N.L. (1985). Manual for the Test of Educational Achievement Brief Form. Circle Pines, MN: American Guidance Service.
- Lindblom, C. E. (1979). Usable knowledge: Social science and social problem solving. Yale University Press.
- Marcuse, P. (2014). A Just Code of Ethics for Planners A Priority for Planners Network. Journal of progressive planning, No. 198.
- Wachs, M. (1990). Ethics and advocacy in forecasting for public policy. Business & professional ethics journal, 141-157.
- Wachs, M. (2013). The past, present, and future of professional ethics in planning. Policy, Planning, and People, 101-120.

